

متن پرسش

با سلام. طبق فرموده ی بزرگان اهانت به مقدسات اهل سنت حرام است و گفته می شود که نباید به آنها سب و لعن کرد. در صورتی که در قرآن بسیار سب انجام شده است مثل «اولئک کالانعام بل هم اضل اولئک هم الغافلون» (اعراف ۱۷۹) «انان مانند چهار پایانند بلکه از حیوان هم بسی گمراه ترند زیرا انان ناگاه و غافلند» ۲. «فمثله کمثل الکلب» (اعراف ۱۷۶) «داستان او به سگ می ماند.» ۳. «مثل الذین حملوا التوراه ثم لم یحملوها کمثل الحمار» (جمعه ۴) «مثل انان که تورات به دوش گرفته و عمل نمی کنند مانند داستان الاغ است.» ۴. «ان انکر الاصوات لصوت الحمیر» (لقمان ۱۹) «به درستی که زشت ترین صداها صدای خران است.» چرا خداوند بارها در قرآن خاب بکفار و مشرکین و... از حیوان، خر، سگ، کور، لال و گنگ و کر، سفیه نادان حمال و بارکش و.. نام برده است.؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟ و در اصول کافی که صحیح السند نیز میباشد: اصول کافی باب مجالسه اهل المعاصی- ج ۲، ص ۵۲۴ اینم ترجمش از امام صادق علیه السلام حدیث شده است که فرمود: رسول خدا (ص) فرموده است: هر گاه پس از من اهل ریب و بدعت را دیدید بیزاری خود را از آنها آشکار کنید، و بسیار بآنها دشنام دهید، و در باره آنها بد گوئید، و آنها را با برهان و دلیل خفه کنید که (نتوانند در دل مردم القاء شبهه کنند و نتوانند بفساد در اسلام طمع کنند، و در نتیجه مردم از آنها دوری کنند و بدعتهای آنها را یاد نگیرند، و خداوند در برابر این کار برای شما حسنات بنویسد و درجات شما را در آخرت بالا برد. امام صادق روحی له الفدا فرمودند: ما جماعت بنی هشام بزرگان و کوچک های خود را امر می کنیم به دشنام دادن و لعن آندو نفر (ابوبکر و عمر) و بیزاری جستن از آن دو (ابوبکر و عمر). کتاب معتبر و متقن بحار الانوار ج ۵ ص ۳۲۳ طبق آیات و روایاتی که آمده است باید سب و لعن فرمود. نظر حضرتعالی را می خواستم. خواهشا به تفصیل توضیح دهید.

متن پاسخ

- باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- نقد اندیشه کار خوبی است چون موجب رشد می شود. در آیاتی که مطرح می فرمایید بدون اشاره به شخص خاص خداوند اندیشه های شرک آلود را می کوبد ۲- اشاره ی رسول خدا «صلوات الله علیه و آله» به ابوسفیان و مروان حکم و پدر او است، این غیر از امثال خلیفه ی اول و دوم است که در آن زمان در کنار پیامبر بودند ۳- در هر صورت سیره ی اهل البیت «علیهم السلام» آن است که انتقاد می کردند ولی در هر حال اسم نمی آوردند. از طرفی اگر امروز علماء ما مصلحت اسلام در مقابل دشمن را احترام به بزرگان اهل سنت می دانند، عدم رعایت

مصلحت اسلام از همه ی گناهان بزرگ تر است. علماء اهل سنت نیز در این رابطه هوشیاری های خوبی از خود نشان داده اند به عنوان مثال عین مصاحبه ی دکتر احمد طیب که هم‌اکنون مفتی الأزهر است با شبکه ی نیل را ملاحظه فرمائید: - خبرنگاری سؤال کرد آیا به نظر شما عقاید شیعه مشکل ندارد؟ شیخ طیب جواب داد: نه چه مشکلی دارند، ۵۰ سال پیش شیخ شلتوت فتوا داده است که شیعه مانند مذاهب دیگر است. - خبرنگار گفت: فرزندان ما در حال شیعه شدن هستند، چه باید بکنیم؟ شیخ جواب داد: خوب بشوند مگر کسی از مذهب حنفی به مالکی برود ما اشکالی به او می‌گیریم؟ - خبرنگار پرسید: شیعیان با ما در حال قوم و خویشی هستند و با فرزندان ما ازدواج می‌کنند. شیخ جواب داد: چه اشکالی دارد، بین مذاهب ازدواج آزاد است. - خبرنگار گفت: می‌گویند شیعیان قرآنشان فرق می‌کند. شیخ طیب پاسخ داد: این حرف‌ها خرافه پیرزن‌ها است. قرآن شیعیان با ما هیچ فرقی ندارد و حتی رسم الخطشان نیز مانند قرآن ما است. - خبرنگار گفت: ۲۳ روحانی از یک کشور (عربستان) فتوا داده‌اند که شیعیان کافرند، رافضی هستند. شیخ گفت: فتوای آن‌ها اعتباری ندارد. - خبرنگار گفت: پس این اختلافاتی که بین شیعه و سنی مطرح می‌کنند چیست؟ شیخ پاسخ داد: این اختلافات، سیاست خارجی است و می‌خواهد بین شیعه و سنی اختلاف بیندازد. - خبرنگار گفت: من یک سؤال جدی دارم: شیعیان که ابوبکر و عمر را قبول ندارند، چگونه می‌گویید این‌ها مسلمان هستند؟ شیخ طیب گفت: بله قبول ندارند، اما مگر اعتقاد به ابوبکر و عمر جزو اصول دین اسلام است؟ قصه ابوبکر و عمر یک قصه تاریخی است و تاریخ به اصول اعتقادات ربطی ندارد. - خبرنگار که از این جواب جا خورده بود گفت: شیعیان یک ایراد دارند، آن هم این‌که می‌گویند امام زمانشان از ۱۰۰۰ سال پیش هنوز زنده است. شیخ پاسخ داد: خوب ممکن است، چرا ممکن نباشد، ولی دلیلی ندارد ما اعتقاد آنان را داشته باشیم. - خبرنگار پرسید: آیا ممکن است کودک ۸ ساله امام باشد؟ شیعیان معتقدند کودک ۸ ساله امام شده است. شیخ گفت: وقتی یک طفل در گهواره پیغمبر بشود، این‌که یک کودک ۸ ساله هم امام باشد عجیب نیست، هرچند ممکن است ما به عنوان اهل تسنن این اعتقاد را قبول نداشته باشیم؛ اما این موضوع به اسلام آن‌ها صدمه‌ای نمی‌زند و آن‌ها مسلمانند. موفق باشید